



تا شکفت گل از گلم، دیدن یار می‌روم». بازی گلاب آدینه به نقش بی‌بی سلیمه یکی از مهم‌ترین نقاط قوت فیلم است. محمدرضا فروتن، غزل شاکری و صادق صفایی هم بازی‌های خوبی در این فیلم ارائه می‌دهند.

## قدمگاه طواف

فیلم وقتی همه خواب بودند ساخته فریدون حسن پور، قصه زن کهنسالی به نام بی‌بی سلیمه را روایت می‌کند که به دلیل بیماری، اجازه سفر حج را به او نمی‌دهند، اما چه باک که بچه‌هایی باصفا و اهل دل و طبیعتی بگرو و مقدس حی و حاضرند تا بی‌بی را به آرزویش برسانند. در این میان، درخت هم به عنوان یک عنصر شاخص

# ناگهان درخت!

به مناسبت روز درختکاری، با درخت‌های سینمایی خاطره بازی کرده‌ایم



علی رستگار

سینما

🌳 در میان زرق و برق و جلوه‌گری ستارگان و هیاهوی قصه آدم‌ها در فیلم‌ها، کمتر کسی سراغی از درخت در سینما می‌گیرد. اگر هم به‌ندرت نمایا سکانسی در فیلم‌ها به یمن وجود درخت، جان می‌گیرد و استوار می‌شود، یا از سر تصادف است و درخت بینوا و مهجور در پس‌زمینه عبور یک قهرمان، غریبی می‌کند یا دست بالا حضورش با بهانه‌ای استتیک و زیبایی‌شناسانه رفع و رجوع می‌شود. اما اگر نخواهیم در روز درختکاری اینقدر هم بدبینانه به ماجرا نگاه کنیم و کمی هوای این ریه طبیعت را در سینما داشته باشیم، اینجا به قصد خاطره بازی درختی، سراغ فیلم‌هایی رفته‌ایم که درخت را به قدر بضاعت قصه و به لحاظ مضمون طبیعت‌گرایانه و هستی‌ورزانه جدی گرفته‌اند و حتی گاهی این ارادت و ادای دین درختی به عنوان برخی فیلم‌ها هم راه پیدا کرده است.

## درخت جان



فرهاد مهرانفر، فیلمی در کارنامه دارد به نام درخت جان که آیین‌ها و آداب و رسوم قوم کهن و بزرگ تاش را به شکلی هنرمندانه روایت می‌کند و به تصویر می‌کشد. در این میان درخت، جایگاه رفیعی دارد و حضور برجسته و نمادینش در فیلم، جلوه‌گری می‌کند. به جز توجه بصری به درخت در فیلم، در نمایش و روایت هم، بسیار از اهمیت حیاتی درخت گفته می‌شود. «ما که از کوچ بازمانده بودیم دست به دامن ریشه‌های درخت می‌شدیم. با نذر، جوانی جهان سالخورده را می‌خواستیم.» همین‌طور در پایان فیلم که مردان، کمر همت به قطع درختان قدیمی می‌بندند، این روایت را روی تصاویر می‌شنویم: «پدر، درخت جان را برید. آن وقت دیگر شاخه‌ای نماند تا پرنده، آشیان بسازد و سایه‌ای تا آهو آرام بگیرد و آنگاه خورشید سرد شد و برکت از زمین‌ها رفت.»

## یک کارنامه درختی

جالب است که سینماگری چون پیمان معادی، چند فیلم شاخص با عنوان درخت دارد؛ همین درخت گردو که معادی نقش اول آن را بازی می‌کند، تازه‌ترین فیلم درختی اوست و نیاز نیست برای اثبات کارنامه پربرگ و بارش، خیلی راه دور برویم. با این حال معادی، بازی در نقش اصلی فیلم ناگهان درخت ساخته صفی یزدانیا را هم در کارنامه دارد که آنجا هم هماهنگ با عنوان فیلم، سروکارش بدجوری به درخت می‌افتد! معادی حتی در نخستین فیلمش به عنوان کارگردان هم، سهمش را دست‌کم در عنوان به طبیعت و دارو درخت ادا کرد؛ برف روی کاج‌ها.



## درخت ایمان

فضای عمدتاً غیرشهری فیلم‌های آندری تارکوفسکی، کارگردان فقید روسی هم مستعد حضور درخت و حکمرانی طبیعت بود. یکی از بخش‌های بنیادین مفهومی «ایثار»، آخرین فیلم تارکوفسکی مربوط به کاشت درخت است که همان اول فیلم اتفاق می‌افتد و سکانس پایانی هم بازگشتی دوباره به آن است. الکساندر، در ابتدای فیلم با کمک پسرش، تک درختی خشکیده را می‌کارد و در عین حال، قصه راهبی را با همین محوریت کاشت درخت خشکیده و آبیاری هر روزه به امید شکفتن برای او تعریف می‌کند. این شکوفاشدن با قدرت ایمان و اعتماد و امیدواری، قابلیت بسط دادن به زندگی را دارد و منحصر به یک روایت درختی صرف نیست. در فیلم‌های دیگر تارکوفسکی هم می‌توان ردی از حضور درختان دید؛ در کودکی ایوان که جنگل و انبوه درختان را داریم و اصلاً فیلم با نمایی از ایوان در کنار یکی از همین درختان آغاز می‌شود و حتی در یکی از پوسته‌های فیلم هم شاهد حضور برجسته درخت هستیم. در طبیعت آینه هم به قدر کفایت، درخت می‌بینیم از جمله در آن قاب معروف که مادر روی حصار چوبی و در سایه سار درختی، رو به دشت نشسته است.

## غمه‌خور درختان!

احتمالاً هیچ کارگردانی در سینمای ایران به اندازه خسرو معصومی برای درختان حرص و جوش نخورده باشد! او که خودش زاده بهشهر مازندران است، دغدغه‌مندانه فیلم‌هایی درباره قطع درختان از بین بردن طبیعت و قاچاق چوب ساخته و با محوریت این موضوع، به سهم خود به متولیان و مسؤولان آن هشدار داده است. اما حیف که فیلم‌هایی نظیر جایی در دوردست و رسم عاشق‌کشی و... بیشتر از منظر سینمایی قدر دیدند و آن سوداگران درخت و جنگل و طبیعت، راه‌شان از کنار چنین فیلم‌هایی هم عبور نمی‌کند.

## باغبان سینما

میان کارگردان‌های سینمای ایران، عباس کیارستمی بیش از همه با طبیعت و درخت محشور و مانوس بود و این انس و الفت به سینما و فیلم‌هایش هم راه پیدا کرد. شیوه فیلمسازی او و بهره‌گیری‌اش از فضاها و روستایی در برخی فیلم‌های شاخصش، حضور درخت را موجه و پرمعنا می‌کرد. زیر درختان زیتون به جز این که در عنوان فیلم از درخت بهره برده، این بهره‌مندی هنرمندانه را به کل فضا و قصه عاشقانه فیلم هم بسط داده و بعضی از مهم‌ترین صحنه‌های فیلم با حضور برجسته درختان ماندگار شده است؛ چه آنجا که حسین به یکی از درختان و پشت به آن کلاکت تکیه می‌دهد و صحنه جاودانی می‌سازد و درخت و سینما را به هم پیوند می‌زند و چه آن اکسیریم لانگ شات (نمای بسیار دور) پایانی که حسین در تمناهای عاشقانه و برای بله‌گرفتن از معشوقه‌اش طاهره، راه طولانی میان درختان را می‌پیماید. در خانه دوست کجاست؟ هم آن جاده مارپیچ معروف با وجود آن تک درخت بر فراز تپه معنا و مفهوم پیدا می‌کند و به تاریخ می‌پیوندد. طعم گیلان هم نشانی از گیاه و درخت در عنوان خود دارد و آن نشانه‌های تزئین حیات و القای حس زندگی به یک آدم ناامید و به بن‌بست رسیده، متأثر از یک درخت است. آقای باقری که کارگر موزه تاریخ طبیعی است، در گفت و گو با آقای بدیعی، خاطره‌ای را تعریف می‌کند که طی آن وقتی قصد خودکشی با طناب پای یک درخت توت را داشت، با خوردن یکی دو توت و بیشتر، دوباره مزه شیرین زندگی را می‌چشد و بی‌خیال عزیمت خودخواسته به جهانی دیگر می‌شود. کیارستمی حتی در فیلم‌نامه‌ای که از سوی محمدعلی طالبی به فیلم تبدیل شد هم دار و درخت را فراموش نمی‌کند؛ بید و باد. عشق او به درخت و طبیعت تنها محدود و منحصر به سینما نبود و چیدمان هفت چنار او که در خانه هنرمندان ایران وجود دارد هم مصداقی از این علاقه بی‌حد و حصر به درخت است.



## درخت مرگ و زندگی

تازه‌ترین فیلم محمد حسین مهدویان، درخت گردو گرچه با محوریت فاجعه بمباران شیمیایی سردشت ساخته شده و بخش اعظم فیلم به رنج‌ها و مصائبی می‌پردازد که بر اوس قادر مولان‌پور آوار می‌شود، اما فیلم از درخت گردو به عنوان یک عنصر نمادین از زندگی در فیلم استفاده می‌کند؛ درخت گردویی که زمانی کل خانواده با شادمانی و سرخوشی در سایه‌سار آن گرد هم می‌آمدند و زندگی می‌کردند، با مرگ اعضای خانواده، به مدفن‌شان تبدیل می‌شود.

## باغ سنگی

یکی از متفاوت‌ترین و نامتعارف‌ترین فیلم‌های سینما درباره درخت و طبیعت، مستند باغ سنگی ساخته پرویز کیمیای است و قصه واقعی درویش‌خان اسفندریا پور، به تاولیل و تفسیرهای فراوانی راه می‌دهد. او باغداری بود که در دهه ۴۰ و در اعتراض به اصلاحات ارضی که املاکش را از دست داده بود، دست از باغداری برمی‌دارد تا همه درخت‌های باغش خشک شوند. بعدش هم به همه شاخه‌های درختان میوه، سنگ آویزان می‌کند و مثل میوه واقعی از آنها مراقبت می‌کند!



## آثار پویانمایی درختی

اینجا به دو اثر کوتاه شرقی اشاره می‌کنیم که اگر ندیدید، تماشای آنها را در روز درختکاری در اولویت قرار دهید. اولی کاری از چین به نام «درخت» که قصه پیرمردی را روایت می‌کند که همه زندگی‌اش را وقف آبیاری یک درخت مرده می‌کند و دیگری هم اثر ژاپن به نام «روی سر» که قصه مرد خسیسی است که گیلان‌های به دست آورده‌ای را با هسته‌هایش می‌خورد و پس از آن، گیاهی روی سر مرد رشد می‌کند و تبدیل به درخت می‌شود!

## درخت‌های دیگر

درخت زندگی ساخته ترنس مالیک، درخت گلابی وحشی ساخته نور بیلگه جیلان، درختی در بروکلین می‌روید ساخته الیا کاران، درخت اعدام ساخته دلمر دیوز، درخت چوب سندل (در ایران با نام درخت تنگدستی) ساخته اورمانو لوملی، دریای درختان ساخته گاس ون سنت، درخت آرزو ساخته تنگیز ابولادزه، زیر درخت هلو ساخته ایرج طهماسب و... برخی دیگر از فیلم‌هایی هستند که عبارت درخت را در عنوان خود دارند. در فیلم‌های دیگری چون چشمه ساخته دارن آرونوفسکی، آواتار ساخته جیمز کامرون، سریر خون ساخته آکیرا کوروساوا، معبد جان ساخته محمد درمنش و... هم درخت، حضور مهم و تعیین‌کننده‌ای در قصه دارد. و بیش از فیلم‌های سینمایی و داستانی، آثار فراوانی در سینمای مستند ایران و جهان داریم که با محوریت درخت و جنگل و طبیعت ساخته شده‌اند؛ نظیر مادرم بلوط، اگر یک درخت سقوط کند و...

# یک عمر با درختان

حسین محجوبی نقاشی که یک عمر درختان را روی بوم طرح زده، از دلایل این انتخابش می‌گوید

🌳 مهربانی بی پایان درخت

خب حالا چرا اینقدر درخت دوست دارید؟ چشمتان به این زیبارویان طبیعت عادت کرده یا دلیل دیگری دارید؟ محجوبی می‌خندد و می‌گوید: چشم‌هایم که به زیبایی درختان عادت کرده است، اما به نظر خداوند به درخت توانایی‌های خاصی داده است. هر چند این عبارت را که درخت‌ها ریه‌های تنفسی زمین هستند، بسیار شنیده‌ایم اما واقعیت مهمی است دیگر... درخت زیباترین و پربارترین موجود روی زمین است، تمام وجودش ایثار مطلق است؛ از تولید اکسیژن گرفته تا تمام اجزای وجودی‌اش که به انسان و دیگر موجودات حیات می‌بخشد. وقتی روی زمین است برگ و بار و میوه

دارد و آخرش هم می‌شود کاغذ. حالا این وسط‌ها ما هم بایی رحمی کلی درخت را قطع می‌کنیم و می‌سوزانیم، خشک می‌کنیم و خلاصه هر بلایی سرش می‌آوریم اما باز آکار خاکسترسر هم در طبیعت پودر می‌شود و اثر می‌گذارد. شما یک موجودی را به من نشان دهید که خدا اینقدر برایش در طبیعت نقش گذاشته باشد. برای همین بوده که نیاکان ما درخت را مقدس می‌دانستند و هر سال چنین روزی جشن درختکاری برگزار می‌کردند.

🌳 درخت می‌کشم تا اعتراض کنم

محجوبی می‌گوید درخت‌ها را روی بوم می‌آورم تا اعتراض کنم. یک اعتراض هنری که می‌خواهم در

آن توجه انسان‌ها را به محیط زیست هم جلب کنم و بگویم اینقدر ویرانگر نباشید. او توضیح می‌دهد: انسان در حال ویران کردن طبیعت است و این اتفاقی وحشتناک است. آدم‌ها فکر می‌کنند حالا که به قول خودشان متمدن شده‌اند و خانه ساخته‌اند، دیگر طبیعت خانه‌شان نیست. به همین دلیل هم دنیا شده محل گردهمایی برج‌های دود گرفته. این دنیا زیباست؟ نه. دنیای نقاشی‌هایم را بیشتر دوست دارم که در آنها هیچ آدمی را هم نمی‌کشم. من طبیعت را می‌کنم که زیبایی محض است و بی‌دخالت و ویرانگری انسان خود را پاک و زیبا حفظ کرده است.

